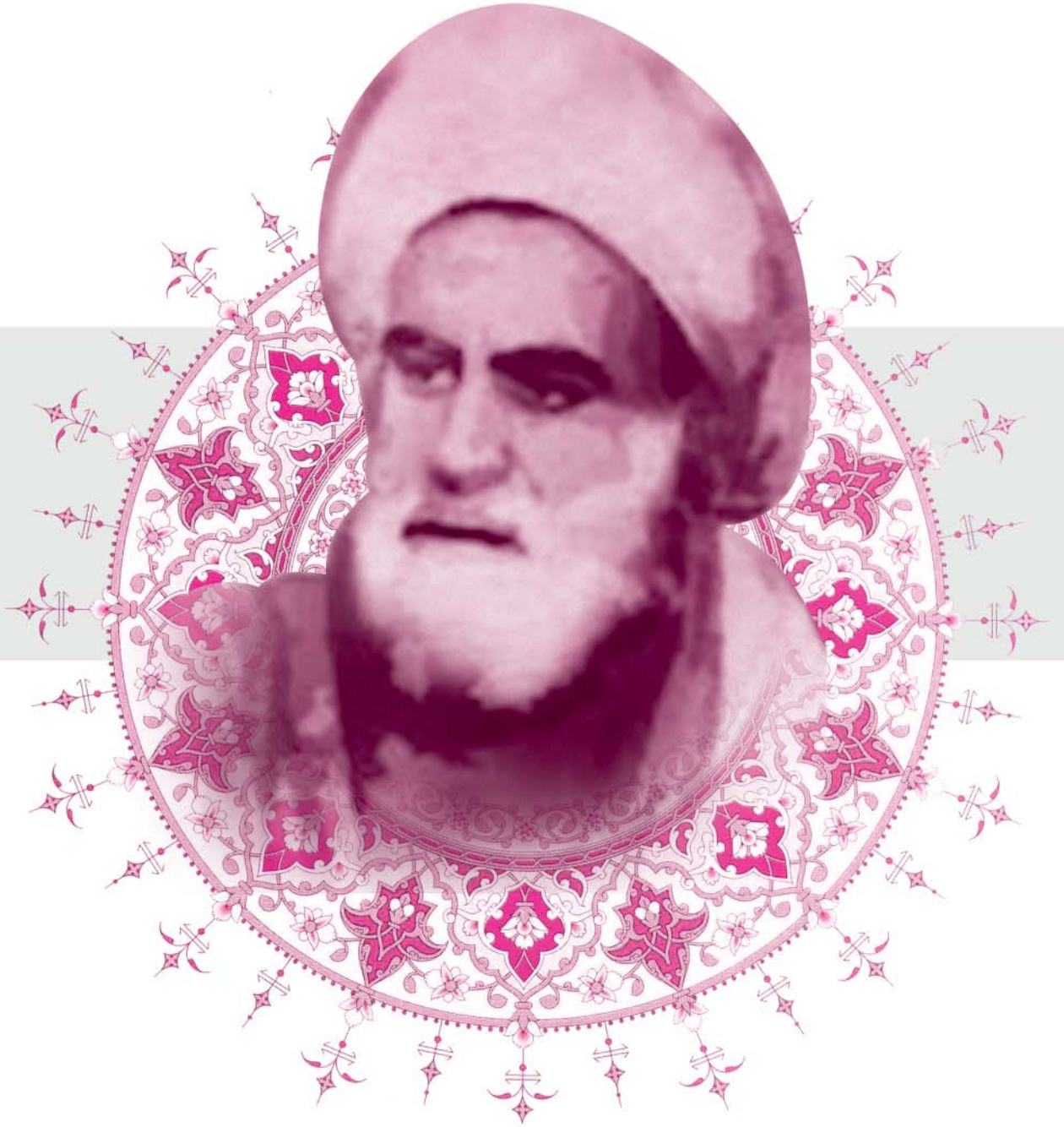


مکتبہ حلہ

و نوآوری در فقه

رضا احمدی
(پژوهشگر)



صفریات
سال سوم
شماره هجدهم
۷۰
بهمن و اسفند ماه ۱۳۹۶

مقدمه

احیای دوباره مکتب اجتهاد

آیت‌الله سید مصطفی محقق داماد در نشست فقه پژوهی در قم گفتند: مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ حسینعلی منتظری رحمه‌الله علیه، روزی فرمودند یک‌دهم یا یک‌صدم - تردید از من است - نوآوری‌های علامه حلی را اگر ما داشتیم، امروز مرجعیت هیچ مشکلی نداشت. پانصد اثر از علامه حلی به دست ما رسیده همین الان برخی هنوز مخطوط هستند و چاپ نشده‌اند.

این کلام استاد بهانه‌ای شد تا کارنامه علمی و نقش تاریخی حوزه حله در تحولات علوم دینی باز خوانی مکتب حله مهد پرورش علامه حلی و جمعی از اکابر علمای شیعه است.

مکتب فقهی شیخ طوسی مدت‌ها بدون معارضه و برخورد با نقد و رد، در مجامع علمی شیعه مورد قبول و تایید قرار گرفت. علمای شیعه بیش از یک قرن مجذوب عظمت و

حوزه حله در اوایل قرن ششم هجری قمری، پایه‌گذاری شد، و در عصر محقق، علامه حلی و... به اوج خود رسید و منشاء خدمات بسیاری برای تشیع شد و می‌توان این دوره را عصر نوزایش برای فقه و علوم اسلامی نام گذاری نمود. این مرکز علمی شیعه در زمینه تربیت شخصیت‌های فرهیخته، تولید علم و آثار ماندگار دارای خدمات و مزایای فراوانی می‌باشد.

شهری در میان هورها

حله شهری در نیزارها و هورهای مرکزی عراق است که از هیاهو و درگیری‌های حوزه مرکزی عراق دورمی‌باشد. این شهر در منطقه بین النهرین و در کنار شط الحله (از شاخه‌های رود فرات)، بر سر راه بغداد به نجف قرار داشت، شهر حله امروز مرکز استان بابل است. این شهر در

■ **احیای روح تحقیق**
و انتقاد از آرای فقهی بزرگان
یکی از کارکردهای مثبت حوزه علمی حله به شمار می‌رود.
مخالفت ابن ادریس با
حجیت خبر واحد از موارد
صریح مخالفت او با
شیخ طوسی می‌باشد.
■

ابهت علمی شیخ طوسی بودند، و از این رو، جرات اظهار نظر و رای و اجتهادی برخلاف اجتهاد او را پیدا نکردند و به خاطر همین روش تقلیدی علما و شاگردان، به عصر مقلده نام نهاده اند.

رونق مرکز علمی حله موجب رکود بیشتر حوزه نجف گردید. حوزه حله سنت پیروی بی چون و چرا در برابر آرا و فتاوی شیخ طوسی را کنار گذاشت و به نقادی نسبت به آرای او پرداخت.

قرن‌های پنجم و ششم قمری به دست یکی از امیران آل بویه به نام سیف الدوله اسدی آباد شد. بهسبب امنیت و توجه امیران آل بویه به این شهر، تجار و علما به آن روی آوردند. در اثر ضعیف شدن آل بویه وانتقال قدرت به سلجوقیان شافعی مذهب و متعصب؛ منطقه نجف، دیگر برای علمای شیعه امن نبود. به همین سبب عده‌ای از آنها به حله - شهری در میان نیزارها - هجرت کردند و این شهر به محل تجمع علمای شیعه تبدیل گردید.

نقادی آرا و برخی روش‌های شیخ، روح تحقیق و نقد و تجدیدنظر را در محافل علمی شیعه به وجود آورد. حله از اوایل قرن ششم تا قرن دهم، به مرکز علم و اجتهاد و مهد رونق علوم شیعه تبدیل شد. پس از رکود این مرکز علمی، حوزه شیعه به کربلا و پس از آن دوباره به نجف منتقل شد. مرکز علمی حله طی یک قرن توانست علمای برجسته‌ای تربیت کند. مؤسس مرکز علمی حله، شیخ ابوعبدالله فخرالدین محمد بن منصور (م ۵۹۸ ق) عجلای حلی معروف به ابن ادریس می‌باشد. وی یک قرن پس از شیخ طوسی، علم فقه را وارد مرحله جدیدی کرد. پس از رحلت شیخ تا صد سال حوزه نجف و علما تحت تاثیر عظمت علمی شیخ بودند و از نقد و بررسی آرای وی اجتناب می‌کردند. این روند می‌رفت تا سنت اجتهاد را از حوزه‌های علوم دینی شیعه برچیند. ابن ادریس با شجاعت علمی توانست سنت تقلید از شیخ طوسی را شکسته و با تحریر آثاری ماندگار، چون سرائر، نهضت اصلاحی خود را پیش ببرد. او با دقت و باریک بینی، زوایای علمی دقیق فقه شیعه را تحرکی نو بخشید. این مرکز علمی گرچه عمر طولانی نداشت، ولی دارای کارنامه درخشانی در تربیت عالمان بنامی چون محقق حلی، علامه حلی، ابن فهد حلی، سید بن طاووس، صفی‌الدین حلی، فخرالمحققین، شهید اول و دیگر مشاهیر می‌باشد. ابن فقه‌های نامدار در کنار تربیت شاگردانی فرهیخته، تالیفاتی ماندگار نیز از خود به جا گذاشتند. (و شخصیت‌های پراوازه شیعه تربیت یافته این حوزه می‌باشند). مرکز علمی شیعه در حله دوره‌های متفاوتی را تجربه کرده است.

دوره اول

مرکز علمی حله به دور از آشوب‌های عراق مرکزی و بغداد که محل صعود و نزول قدرت‌های سیاسی بود در میان هورها همّت خود را معطوف به بحث‌های مدرسه‌ای کرد. ابن ادریس بلند آوازترین فقیه قرن ششم با ایده‌های نو، شجاعت علمی وصف ناپذیری به نقد سنت‌های جاری در مراکز علمی شیعه پرداخت. ابن ادریس در عصر خود بزرگترین مرکز علمی شیعه را در حله پایه ریزی کرد. علما و مجتهدان عرب و عجم، از دور و نزدیک در حله تجمع می‌کردند و از محضرش بهره مند می‌گشتند.



کارنامه ابن ادریس

۱. دفاع از اصل اجتهاد

پیش از ابن ادریس تمامی فقیهان به مدت یک قرن دنباله روی شیخ طوسی بودند و جرات مخالفت با شیوه استنباط و فتاوی وی را نداشتند، اما ابن ادریس این سد را شکسته و فقه را وارد مرحله جدیدی نمود. به نظر محققان، بیشتر فقیهان پس از شیخ طوسی به سبب اعتماد و حسن اعتقاد به شیخ، در آرای فقهی و غیرفقهی از او پیروی می‌کردند؛ از این رو استنباط و اجتهاد در فقه شیعه رو به افول نهاد.

۲. ضرورت استقلال فکری فقیه

شماری معدود از فقها مانند ابن ادریس که به ضرورت استقلال فکری فقیه سخت پایبند بود، به تقلید از آرا و افکار گذشتگان خرده گرفتند و باب نقد آرای شیخ طوسی و گذشتگان را گشودند. این شیوه بر فقهای ادوار بعد هم تأثیر گذاشت و به حرکت اجتهادی در فقه شیعه جانی دوباره بخشید.

۳. تأمل در خبر واحد

ابن ادریس عمل کردن به خبر واحد را نفی می‌کرد و اخبار آحاد را آنگاه حجت می‌دانست که با ادله دیگر مانند کتاب، سنت یا اجماع تأیید شود:

«إِنَّمَا مَنَعْنَا مِنَ الْقِيَاسِ فِي الشَّرِيعَةِ وَأَخْبَارِ الْأَحَادِ - مَعَ تَجْوِيزِ الْعِبَادَةِ (التَّعَبُّدِ) بِنِهَايَةِ طَرِيقِ الْعُقُولِ - لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَا تَعَبَّدَ بِهَا، وَلَا نَصَبَ دَلِيلًا عَلَيْهِمَا، وَمِنْ هَذَا الْوَجْهِ طَرَحْنَا الْعَمَلَ بِمَا وَنَفِينَا كَوْنَهُمَا طَرِيقَيْنِ إِلَى التَّحْرِيمِ وَالتَّحْلِيلِ.»^۲

«ما از عمل به قیاس و خبر واحد در شریعت منع شده‌ایم، (بعلاوه جواز عمل به قیاس و خبر واحد از باب سیره عقلاست.) زیرا خداوند متعال الزام به قیاس و خبر واحد نکرده است و همچنین قیاس و خبر واحد را طریقی برای استنباط قرار نداده است تا این دو راهی برای استنباط حلال و حرام باشند.»

ابن ادریس خبر متواتر و خبر مقرون به قراین قطعی را حجت می‌دانسته و عمل کردن به خبر واحد را نفی

ابن ادریس

در عصر خود بزرگترین مرکز علمی شیعه را در حله پایه‌ریزی کرد.

علما و مجتهدان عرب و عجم،

از دور و نزدیک در حله

تجمع می‌کردند

و از محضرش بهره‌مند می‌گشتند.

می‌کرده است. نفی خبر واحد در بین علمای پیشین نیز رواج داشته است، مانند سید مرتضی علم الهدی:

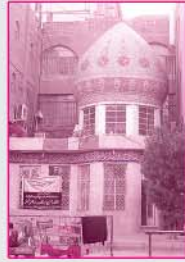
«قال المرتضى (قدس سره): «و إِنَّمَا أُرَدْنَا بِهَذِهِ الْإِشَارَةِ أَنَّ أَصْحَابَنَا كُلَّهُمْ سَلَفَهُمْ وَ خَلْفَهُمْ، مُتَقَدِّمٌ وَ مُتَأَخِّرٌ يَمْنَعُونَ مِنَ الْعَمَلِ بِأَخْبَارِ الْأَحَادِ وَ مِنَ الْعَمَلِ بِالْقِيَاسِ فِي الشَّرِيعَةِ، وَ يَعْيبُونَ أَشَدَّ عَيْبِ عَلَى الرَّاغِبِ إِلَيْهَا وَ الْمُتَعَلِّقِ فِي الشَّرِيعَةِ بِهَا، حَتَّى صَارَ هَذَا الْمَذْهَبُ - لظهوره و انتشاره - معلوما ضرورةً منهم و غير مشكوك فيه من أقوالهم.»^۳

«سید مرتضی می‌گوید: همه اصحاب ما از گذشتگان، آیندگان و متاخرین آنها عمل به خبر واحد و قیاس در شریعت را منع می‌کنند و عمل به این دو را بدترین عیب می‌دانند.»

و نیز برخی از علمای دیگر قرن ششم، مانند ابن شهر آشوب، طبرسی و ابن زهره به همین نظر قائل بودند.

دوره دوم مرکز علمی حله

مرحله دوم شکوفایی حوزه حله پس از فروپاشی بغداد است. در حمله هلاکوخان (۶۵۶ق) علمای بغداد و سایر شهرها به حله مهاجرت کردند. رونق این مرکز در عصر محقق حلی به اوج خود رسید، خواجه نصیرالدین طوسی نیز در این حوزه حاضر شده است. کتاب‌های سرائر و شرائع، ارشاد الاذهان، تبصرة المتعلمین، قواعد الاحکام، مختلف الشیعة و تذکرة الفقهاء در فقه، تهذیب الاصول در دانش اصول، الجواهرالنضید در منطق، خلاصة الاقوال در مباحث رجالی، کشف المراد و باب الحادی عشر در کلام از جمله تألیفات



■ **محقق حلی**
(متوفی ۶۷۶ ق)
با درآمیختن احادیث
و فتوا این دو را در کنار هم
و به سبک تلفیقی
ارائه و دریچه‌ای نو
در فقه را گشود.

متعدد و دستاوردهای این مرکز علمی می‌باشد. محقق و علامه، ابن دو فقیه بزرگ، میراث فقهی شیخ طوسی را که علی رغم وسعت و غنای فرهنگی خود، پراکنده و فاقد انسجام بود و بسیاری از عناصر زنده که شیخ از فقه سنی به فقه شیعی منتقل ساخته بود، هنوز در این سیستم جدید هضم نشده و جانپفاده بود، به شکلی اصولی و نظمی جدید، مدون و مرتب کردند. این ویژگی را به خصوص در کتاب‌های محقق از جمله شرائع، معتبر، مختصرالنافع و نکت‌النهاییه به خوبی می‌توان مشاهده کرد.^۴

نوآوری‌های علمی - پژوهشی

مرکز علمی حله توانست علوم اسلامی خاصه علم فقه را وارد مرحله جدیدی سازد.

۱. احیای روح تحقیق و نقد

چنانکه گفته شد، ابن ادریس رویکرد مقلدانه صد ساله به آثار شیخ را پایان داد و با نگاه نقادانه فقه را وارد مرحله جدیدی کرد، شهرت ابن ادریس بیشتر به سبب انتقادهای صریح او از شیخ طوسی است. وی بر لزوم تقلید نکردن از بزرگان و اهتمام در نقد آرای فقه‌های بزرگ، مایه‌های پیشرفت و تکامل دانش فقه را فراهم کرد.

احیای روح تحقیق و انتقاد از آرای فقهی بزرگان یکی از کارکردهای مثبت حوزه علمی حله به شمار می‌رود. مخالفت ابن ادریس با حجیت خبر واحد از موارد صریح مخالفت او با شیخ طوسی می‌باشد.

۲. نگاه نو به علم الحدیث

سید جمال الدین احمد بن موسی بن طاووس (متوفی ۶۷۳)، نگاه نو به علم الحدیث را بارور کرد، وی طرح تقسیم بندی احادیث از نظر سند به چهار قسم صحیح، موثق، حسن و ضعیف را در تحقیقات فقهی مطرح کرد. مکتب حله در این زمینه آثار ماندگار رجالی از ابن طاووس، علامه حلی و ابن داوود حلی در کارنامه خود دارد.



■ **ابن ادریس**
عمل کردن به خبر واحد
را نفی می‌کرد
واخبار آحاد را
آنگاه حجت می‌دانست
که با ادله دیگر
مانند کتاب، سنت
یا اجماع تأیید شود.

۳. سبک نوین در فقه

ارائه سبک نوین حدیثی - فتوایی در تدوین و تدریس فقه، در این مدرسه فقهی ایجاد شد. در عصر حضور امامان تا نخستین دهه‌های دوران غیبت، کتاب‌های فقهی شیعه مانند آثار کلینی، محمدبن علی بن بابویه و پدرش علی بن حسین بن بابویه بیشتر حاوی احادیث بود و تدوین‌کنندگان این کتابها - که اصحاب حدیث خوانده می‌شوند - متن احادیث را به عنوان فتوای فقهی خود عرضه می‌کردند؛ در مقابل آنها، فقیهانی چون ابن جنید اسکافی (قرن چهارم)، شیخ مفید (متوفی ۴۱۳)، سید مرتضی (متوفی ۴۳۶) و شیخ طوسی (متوفی ۴۶۱) کتاب‌هایی مختص فتوا در موضوعات مختلف نوشتند، اما محقق حلی (متوفی ۶۷۶) با درآمیختن احادیث و فتوا این دو را در کنار هم و به سبک تلفیقی ارائه و دریچه‌ای نو در فقه را گشود.

۴. تقسیم بندی ابواب فقه

تا قبل از محقق حلی آثار منتشرشده فقهی از انسجام موضوعی برخوردار نبودند. محقق حلی تقسیم‌بندی نوینی از ابواب فقه انجام داد و آن را به چهار بخش عبادات، احکام، عقود و ایقاعات دسته‌بندی کرد.

۵. تکامل فقه تفریعی

علامه حلی از دانش آموختگان مکتب حله است. او توانست با پیروی از روش فقهی شیخ طوسی و محقق حلی، فقه تفریعی را با توجه به موضوع‌بندی محقق حلی و با بهره‌گیری از تسلط خود بر قواعد فقهی کمال بخشید. علامه با تدوین آثاری چون تذکره الفقهاء، مختلف الشیعه، تهذیب الوصول و کتاب نهج الوصول الی علم الاصول در اعتلای فقه و اصول گام‌های بلندی بردارد.

۶. رسمیت یافتن شیعه

تربیت یافتگان مکتب حله علاوه بر آموزش و پژوهش و تقویت بنیادهای علمی تشیع، با ورود به صحنه اجتماعی و سیاسی گام‌های بلندی در جهت تقویت شیعیان برداشتند.

مغولان در قرن هفتم بر جهان اسلام حاکمیت یافتند. آنها تعصبی بردین و مذهب خاصی نداشتند، همین مسئله فرصت مناسبی برای ظهور و بروز شیعیان فراهم آورد. حضور خواجه نصیرالدین طوسی و عده دیگر از شیعیان در دستگاه مغولان، موجبات تقویت تشیع را فراهم آورد. اختصاص موقوفاتی برای علمای شیعه و نیز معافیت آنها از مالیات موجب تقویت و رشد شیعه گردید.

بعد از اینکه غازان خان به اسلام روی آورد، سلطان الجایتو که دارای شخصیت متزلزلی بود، چند بار مذهب خود را عوض کرد. او هنگام بازدید از عتبات، با هدایت دسته‌ای از مشاوران شیعه مذهب خود با علامه حلی دیدار کرد. در میباحثاتی که سلطان با علامه حلی داشت، وی به مذهب شیعه گروید و دستور داد که سکه و خطبه به نام شیعه زده شود. علامه حلی از این پس همراه سلطان شد و مدرسه سیاری را راه اندازی نمود.

رکود و افول حوزه حله

با سقوط ایلخانان در قرن هشتم، عصر رویارویی ملوک الطوائفی در منطقه آغاز شد. عراق به دست خاندان جلایر افتاد، ظهور تیموریان و درگیری با ملوک الطوائفی، ناامنی منطقه‌ای را تجدید کرد. به سبب درگیری‌های سختی که بین آل جلایر و قره قویونلوها در قرن نهم در منطقه به وجود آمد، علماء از حله به نجف مهاجرت کردند. سیدمحمدبن فلاح مشعشع، دولت مشعشعین را تشکیل داد. او درس خوانده حوزه حله و شاگرد ابن فهد حلی بود که ادعای مهدویت داشت. مشعشعین بر حله استیلا یافتند. با روی کار آمدن آق قویونلوها و تسلط آنها بر آسیای صغیر، آنها با مشعشعین درگیر شدند، در این رویارویی شهر حله نا امن گردید و دیگر جایی برای مرکزی علمی نبود.

پانویسها:

۱. فیض، علیرضا، ویژگیهای اجتهاد و فقه پویا، ص ۵۹.
۲. حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۱، ص ۲۰.
۳. همان، ص ۲۰.
۴. فیض علیرضا، مبادی فقه و اصول، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۵.
۵. فیض، علیرضا، ویژگیهای اجتهاد و فقه پویا، ص ۶۰.